



BRANDAFARIN JOURNAL OF MANAGEMENT

Volume No.: 3, Issue No.: 40, Jul 2023

P-ISSN: 2717-0683 , E-ISSN: 2783-3801

Examining the methods of teaching life skills for children and teenagers

Mahnaz Gorjizadeh

Post DBA graduate of Tarjoman Oloom Higher Education Institute

Abstract

The current research was conducted with the aim of investigating the methods of teaching life skills for children and adolescents. The research method was descriptive and analytical; In order to collect the necessary data to achieve the goals of the research, the available sources related to the research topic were taken and the resulting information was analyzed with qualitative methods. This article has reviewed the brief description of the records and history of teaching and teaching life skills to children, conceptually in this field. Then The concept of teaching children and adolescents as a branch of human knowledge has been deeply investigated, and then the background of past research and the opinions of scientists and elders have been stated. It has also challenged the concepts of teaching children and teenagers in a critical manner. At the end of the article, practical suggestions about various trainings and especially life skills training for children and teenagers have been presented.

Keywords: education, child and adolescent, life skills.

بررسی روش های آموزش مهارت های زندگی برای کودک و نوجوان

مهناز گرجی زاده

دانش آموخته Post DBA موسسه آموزش عالی ترجمان علوم

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی روشهای آموزش مهارت های زندگی برای کودک و نوجوان صورت پذیرفته است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی بوده است؛ به منظور گردآوری داده‌های لازم برای نیل به اهداف پژوهش، از منابع موجود و مرتبط با موضوع پژوهش فیش برداری شد و اطلاعات حاصل با شیوه‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این مقاله، توصیف مختصر سوابق و تاریخچه ی آموزش و آموزش های مهارت های زندگی به کودک، را بصورت مفهومی در این زمینه را مرور کرده است. سپس مفهوم آموزش به کودک و نوجوان را به‌عنوان شاخه‌ای از دانش بشری را مورد بررسی عمیق قرار داده است و سپس پیشینه ی تحقیقات گذشته و نظریات دانشمندان و بزرگان بیان شده است. همچنین مفاهیم آموزش به کودک و نوجوان را بصورت نقد و بررسی به چالش کشیده است. در پایان مقاله، پیشنهادهایی کاربردی در مورد آموزش های گوناگون و بخصوص آموزش مهارت های زندگی برای کودک و نوجوان ارائه شده است.

کلمات کلیدی: آموزش، کودک و نوجوان، مهارت های زندگی.

مقدمه:

در هر جامعه ای کودک و نوجوان، سرمایه‌های آن جامعه‌اند. سرمایه اگر در اختیار انسان آگاه و کاربرد باشد، افزونش می‌کند و ناشی هدرش می‌دهد. برخورد اصولی و حساب شده با استعداد کودکان باعث شکوفایی ذهن و رشد خلاقیت خواهد شد و به بالندگی جامعه خواهد انجامید. متقابلاً، رها کردن یا آموزش نادرست، زمینه ظهور نسلی خموده و وابسته را فراهم می‌سازد (اسمیت، ۱۳۸۲؛ نقل از نجفی و همکاران، ۱۳۹۸).

آموزش و پرورش یا همان یاددهی / یادگیری؛ صحیح کودکان از مهم‌ترین پایه‌های تعالی هر جامعه‌ای است. در روش‌های یادگیری کلاسیک، معمولاً آموزش و پرورش را به معنی یادگیری مطالب و حفظ آن‌ها تلقی می‌کردند. معلم مطالبی را به شاگرد منتقل می‌کرد و شاگرد آن را بعدها به دیگران انتقال می‌داد. کسی حق به چالش کشیدن استاد را نداشت و نقد و بررسی معلومات استاد کار صحیحی به‌شمار نمی‌رفت. طبیعی است که این کودکان در آینده با مشکلاتی در حل مسائل خود و دیگران روبه‌رو می‌شدند. زیرا تفکر نقاد نداشتند و این‌گونه تفکر را آموزش ندیده بودند. در مواجهه با مسائل هم توانایی کاربرد روش‌های نقد و بررسی موشکافانه، تجزیه و تحلیل و سپس قضاوت و داوری درباره آن را نداشتند (اسکندری، کیانی، ۱۳۹۶).

آنچه که در زندگی بسیار به درد می‌خورد، تفکر نقاد است که به کودک و نوجوان کمک بسیار زیادی می‌کند، درست و غلط را تمیز دهد و در داوری‌ها جانب صحیح را بگیرد. داشتن این نوع از تفکر از نیازهای مبرم و ضروری جامعه ماست که باید از کودکی به آن پرداخت. به نظر ما، کودکی که با این نوع تفکر پرورش یابد، تحت‌تأثیر القانات و تبلیغات سوء و تهاجم فرهنگی دشمن قرار نخواهد گرفت. پایه‌های تفکر عمیق و قوی را باید از کودکی بنا نهاد. کودکی که بیاموزد چگونه بیندیشد، استدلال کند، دلیل بخواهد و به ملاک‌ها و معیارها برای تشخیص و داوری توجه کند، هرگز در بزرگسالی تحت‌تأثیر هر تفکری قرار نخواهد گرفت و راه صواب را از ناصواب تشخیص خواهد داد (مینیس‌ترس^۱، ۲۰۱۲). به بیان دیگر، این سیستم درست نیست که یک سلسله داده‌هایی را به کودکان بدهیم و آن‌ها هم پس بدهند و دلشان خوش باشد که درسی خوانده‌اند. در واقع تمام این داده‌ها بعدها در حل مسائل ذهنی به درد آن‌ها نمی‌خورند. مانند داده‌هایی که به ما دادند و در امتحانات پس دادیم. نتیجه آن هم امروز افزایش مشکلات اجتماعی، مانند بالا رفتن آمار طلاق، اعتیاد است. زیرا ما به بچه‌هایمان یاد نداده‌ایم که هر چیزی را ابتدا پردازش و بعد قبول یا رد کنند (جهانی، ۱۳۹۱: ۳۹).

آموزش و تحصیل حق یا امتیازی است که در دسترس کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد تا نتایج آن در بهبود کلی حقوق آنان مؤثر واقع شود. فقط با آموزش است که کودکان به جهان خارج از فرهنگ فقر دسترسی دارند و از راه فراگیری علوم و مهارت ها، ارزش های معنوی را می یابند و به سوی زندگی توأم با خوشبختی هدایت می شوند (بیگی، ۱۳۹۸). حق آموزش و تحصیل

¹ Ministers of Education

کودکان و نوجوانان در کنوانسیون یونسکو بر ضد تبعیض در آموزش و کنفرانس جهانی در حوزه آموزش برای همگان شناسایی شده است، اما در قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، با راهبردهای ناقصی تضمین شده است (بیگی، ۱۳۹۸).

اولین تغییری که در نگاه حداکثری، ورود روایت‌ها در مدرسه ایجاد می‌کند، تغییر محتوا و متون آموزشی به سمت زبان روایتی و داستان گونه شدن است. امروزه متون رسمی و کتاب‌های درسی زبان خشک منطقی گونه‌ای دارند که ارتباط چندانی با دنیای ذهنی کودکان ندارد. باید توجه کرد که در نظام آموزشی ما کتاب درسی جایگاه ویژه‌ای دارد به شکلی که تمام عناصر آموزش، بر محور کتاب درسی پیش می‌رود و سامان می‌یابد. هدف اصلی آموزش‌ها انتقال محتوای متون درسی به ذهن دانش آموزان است و روش‌ها و ارزشیابی‌ها در خدمت کتاب درسی است و در صورتی که در زبان و الگوی حاکم بر ادبیات متون درسی تغییری ایجاد شود، بطور طبیعی سایر عناصر همچون روش‌ها و ارزشیابی‌ها را نیز دگرگون می‌سازد (لیپ من و متیو^۱، ۲۰۱۶).

با تغییر نگاه ما و حرکت به سمت استفاده از متون روایتی برای آموزش، زبان آموزش با دنیای کودکان کدکانه نسبت بیشتری می‌یابد. البته استفاده از متون روایتی و داستان گونه برای آموزش نیاز به الزامات اساسی دارد و بر اساس آن می‌توان از متونی آموزشی برای درس‌هایی همچون فارسی یا ریاضی و علوم به شکلی داستان گونه و روایتی سخن گفت. استفاده از متون داستان گونه در برخی رویکردهای مطرح همچون فلسفه برای کودکان هم رایج است. این نکته نشان از آن دارد که استفاده از محتوای روایتی می‌تواند زبان آموزش را برای کودکان آشناتر و مهربان‌تر گرداند. در کشور ما نیز موسسه تاریخ ادبیات کودکان و مشخصاً محمدهادی محمدی متون قابل توجهی برای آموزش کودک محور ریاضی و فارسی به زبان روایت و داستان به ثمر رسانده است که در جای دیگر به شکلی تخصصی باید به آن پرداخت (محمدی، ۱۳۹۸).

با توجه به ویژگی‌های بیان شده برای دانش روایتی، می‌توان تفاوت نظام انگیزشی را بهتر فهم کرد. امروزه مسئله‌ی انگیزش دانش آموزان یکی از بغرنج‌ترین مشکلات نظام آموزشی ماست. بخش عمده‌ای از این مشکل ریشه در ناهمسانی و بی تناسبی محتواهای آموزشی با دنیای کودکان است به شکلی که متون و محتواهای درسی برای کودکان جالب توجه و سرگرم کننده نیست. متونی که به شکل منطقی سامان یافته‌اند و بیشتر به دنبال انتقال محتوا به شکل خطی و طبقه بندی شده هستند، با ویژگی‌های کودکان تناسبی ندارد. محتوای صرفاً منطقی، به دلیل بی توجهی به سایر ابعاد کودکان و زبان صریحی که دارد، خشک و عبوس است و کودکان با آن احساس راحتی و مهربانی نمی‌کنند. به همین دلیل امروزه بدیهی بنظر می‌رسد که برای انگیزش علاقه‌ی کودکان به درس و کلاس، باید از مشوق‌ها و محرک‌های بیرونی مدد جست. استفاده‌ی مکرر و طولانی مدت از این مشوق‌ها، به تدریج علاقه و اشتیاق و میل کودکان به دانستن و آموختن را پژمرده می‌سازد، به شکلی که به مرور زمان انگیزه و انرژی عاطفی یادگیری در مدارس ما خشک و بی معنا می‌شود (اسدی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴).

دید می‌شود که، با ورود جدی روایت و داستان در آموزش، می‌توان مسئله‌ی انگیزش درونی کودکان را به شکل دیگری حل نمود. بیان شد، که داستان‌ها به دلیل ویژگی‌های متمایزی که دارند برای کودکان جذاب‌اند. روایت‌ها به دلیل عناصری همچون خیال انگیزی، سرگرم سازی، تعلیق و ارتباط با عواطف و احساسات و گره خوردن با دنیای شخصی کودکان، مراکز رغبت کودکان را تحریک کرده و بر می‌انگیزد. مشاهدات ما در کنار پژوهش‌های انجام شده و شواهد تاریخی در طول زمان نشان می‌دهد که کودکان نسبت به داستان‌ها اشتیاق زیادی نشان می‌دهند و همواره نوعی همراهی بین کودکان و روایت‌ها برقرار بوده است (اسدی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴). همه‌ی این شواهد به نوعی گواهی می‌دهد که در روایت‌ها و داستان‌ها، افسونی هست که کودکان را به خود سرگرم می‌سازد و برای دل سپردن آنها به روایت‌ها، نیاز به عامل خارجی چندانی نیست. به بیان دیگر روایت‌ها به شکل ذاتی و به دلیل خصایص طبیعی که دارند با دنیای کودکان هم راستا و هم آوا هستند (قاضی، فرهومندفر، ۱۴۰۰).

بر این اساس در صورتی که محتوا و متون آموزشی در قالب بیانی روایت‌ها به کودکان عرضه شود، نیازی به استفاده از محرک‌های بیرونی برای علاقه مند سازی آنها به مطالب درسی نیست. روایت‌ها علاوه بر ویژگی‌های درونی مطالب گرانبهایی از فعالیت‌های مرتبط با آن (همچون گفتگو، نقاشی، نمایش) به کودکان پیشنهاد می‌دهد که عموم آنها برای کودکان دلچسب و لذت بخش است (قاضی، فرهومندفر، ۱۴۰۰).

در خط مونتاژ، معلم، دانش را بر اسکلت دانش آموز در سفارشی از پیش تعیین شده و ساخت یافته سوار می‌کند. کودکان بر خط مونتاژی جلو می‌روند که قطعات مختلف دانش را گردآوری می‌کند، تازمانی که آنها در انتهای دوران مدرسه تبدیل به محصولی نهایی شوند. روایت گری جایگزینی برای مدل عینیت گرا در تدریس و روش خط مونتاژی درباره یادگیری است (براون، ۱۹۹۷، به نقل از، قاضی، فرهومندفر، ۱۴۰۰). روش آموزش با داستان گویی راهی برای ساختن معناست. داستان‌های افسانه‌ای تا حد بسیار زیادی به معانی عاطفی گره می‌خورند. اما در تربیت رابطه‌ی ما فراگیرتر است و ما مقاصد شناختی و عاطفی را توأمان نیاز داریم. مدل غالب، گرایش داشته است که بر امور شناختی بیشتر از عاطفی تاکید کنند؛ اما

¹ Lipman, Matthew

کمک گرفتن از برخی جنبه‌های روایی تدریس، ما را به تعادل بهتری می‌رساند (ایگن، ۱۹۸۷، به نقل از، قاضی، فرهومندفر، ۱۴۰۰).

نگاهی جامع و کلی به ابعاد کودکی

دانش و کلا آموختن و یادگیری به شکل غیرقابل قبولی تنها بر بعد شناختی و منطقی کودکان تاکید می‌کند و آنها را مخاطب خود قرار داده است. در مدرسه‌ها تنها به پرورش ذهن منطقی و انباشتن حافظه‌ی کودکان پرداخته می‌شود و مدرسه را به مثابه مکانی برای درس خواندن و حفظ کردن در ذهن کودکان معناسازی شده است. این تاکید یک جانبه بر بعد منطقی، به بهای بی توجهی به بسیاری از ویژگی‌های کودکان رقم خورده است و به تدریج، نگاه تقلیل گرایانه و تک بعدی به کودکان را در میان جامعه رواج داده است. در آموزش‌های منطقی، خیال، احساسات، هیجانات و لذت و سرگرمی کودکان نه تنها به رسمیت شناخته نمی‌شود بلکه به طرق مختلفی انکار می‌شود. اما باید توجه کرد که این بی‌اعتنایی به نیازهای طبیعی و ابعاد مختلف شخصیت کودکان، آثار و تبعات خود را در قسمت‌های مختلف سامانه‌ی آموزشی نشان می‌دهد که پیگیری و بازنمایی آنها مجال دیگری می‌طلبند (جهانی، ۱۳۹۱).

آموزش مهارت‌های زندگی

هدف "برنامه آموزش مهارت‌های زندگی" ارائه آموزش حداقل پنج مهارت زندگی (مهارت خودآگاهی، مهارت برقراری ارتباط موثر، مدیریت هیجانات منفی، مهارت حل مسئله و مهارت جرأت‌مندی) می‌باشد. گروه مخاطب کودکان، نوجوانان و جوانان سنین ۱۰-۲۰ سال است. روش دسترسی به مخاطبین ارجاعات کارشناس مراقب سلامت خانواده، مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز بهداشتی و درمانی و محل‌های تجمع (فرهنگسراها، مساجد) می‌باشد. طول مدت آموزش پنج جلسه و هر جلسه آموزش حدود ۳ ساعت خواهد بود. مبنای آموزش هر دو برنامه محتوایی است که توسط دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت تهیه شده است. مربی آموزش دهنده فردی است که معیارهای تعیین شده برای فعالیت در جایگاه کارشناس سلامت روان را دارا می‌باشد (دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد در یکی از گرایش‌های روانشناسی بالینی یا عمومی است). این کارشناس آموزش‌های بدو شروع خدمت را مبتنی بر کاریکولوم آموزشی تدوین شده توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، طی نموده و موفق به کسب مدرک پایان دوره شده است (کان ونشن و همکاران، ۲۰۱۸).

مهارت‌های زندگی چیست؟ مهارت‌های زندگی، مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که زمینه‌سازگری و رفتار مفید را برای فرد فراهم می‌کنند. این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازد تا مسئولیت و نقش‌های اجتماعی‌اش را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران، با خواست‌ها، انتظارات و مشکلات رو به رو شود. ده مهارت زندگی که سازمان بهداشت جهانی مشخص نموده، عبارتند از: -مهارت خودآگاهی - مهارت همدلی - مهارت روابط بین فردی - مهارت ارتباط موثر - مهارت مقابله با استرس - مهارت مدیریت هیجان - مهارت حل مسئله - مهارت تصمیم‌گیری - مهارت تفکر خلاق - مهارت تفکر خلاقانه (فخرایی، ۱۳۹۹).

فواید و کاربرد های آموزش های مهارت های زندگی

مهمترین فواید و کاربرد های مهارت های زندگی (کایرو و همکاران، ۱۹۹۹). عبارتند از: - نحوه کنار آمدن با انتظارات متفاوت خود، خانواده، همسر، فرزندان، دوستان، همکاران و جامعه - برقراری رابطه لذت بخش با امکانات، تکنولوژی و محیط زندگی - دفع فشارهای روانی از طرف محیط - سازگاری با مسائل اقتصادی و نیازهای معیشتی - تقویت مدیریت خانواده و تربیت فرزندان - تقویت اعتماد به نفس - تقویت مهارت های ارتباطی - تامین سلامت جسمی و بهداشت روانی - تامین آرامش و لذت زندگی - خود شکوفایی، بالندگی، خوشبختی و شادابی (صفایی مقدم، ۱۳۹۷).

مهارت خودآگاهی

تا به حال از خود پرسیده اید "من کیستم؟ به نظر دیگران، چگونه فردی هستم؟" برای پاسخ دادن به این سوالات باید مهارت خود آگاهی را کسب کرده باشید. خود آگاهی به این معناست که چگونه به خود نگاه می‌کنیم و چه احساسی پیدا می‌کنیم. نوع خودآگاهی پیش بینی کننده احساس رضایت و یا نارضایتی از خود و زندگی ما است (صفایی مقدم، ۱۳۹۷). پنج جزء مهارت خود آگاهی عبارتند از: - شناخت ویژگی‌ها و صفات خود - شناخت توانایی‌ها، استعدادها و پیشرفت‌ها - تصویر واقع بینانه از خود - شناخت افکار، باورها و ارزش‌ها - احساس رضایت مندی و نارضایت مندی از خود و زندگی. **مهارت همدلی:**

¹ Convention on the Rights

² Cairo et al

به معنای پاسخ دادن به حالات عاطفی دیگران در شرایط مختلف است. یعنی این که فرد بتواند مسائل دیگران را حتی زمانی که در آن شرایط قرار ندارد، درک کند و به آن ها احترام بگذارد. این مهارت موجب می شود تا به دیگران توجه کرده و دوست شان بداریم و خود نیز توسط افراد دوست داشته شویم و روابط اجتماعی بهتری برقرار شود. **مهارت روابط بین فردی:** توانایی روابط بین فردی به ما کمک می کند با دیگران همکاری و به آن ها اعتماد کنیم، مرزهای روابط با دیگران را تشخیص دهیم، دوستی های مطلوب را حفظ کنیم و در شروع و خاتمه ارتباطات به طور موثرتری رفتار کنیم. یکی از نشانه های سلامت روانی، وجود روابط سالم بین فردی است. مهارت روابط بین فردی، فرآیندی است که به وسیله آن اطلاعات و احساسات خود را با دیگران در میان می گذاریم. این توانایی موجب تقویت رابطه گرم و صمیمی ما با دیگران می شود و سبب قطع روابط ناسالم می شود. این مهارت به ما می آموزد برای درک موقعیت دیگران چگونه به سخنان آنان گوش دهیم و چگونه دیگران را از احساس و نیازهای خود آگاه نماییم تا ضمن به دست آوردن خواسته های خود طرف مقابل نیز احساس رضایت نماید. **مهارت مقابله با استرس:** در دنیای امروز، همواره با تغییرات وسیع و پیچیده ای مواجه ایم که به افراد فشارهای روحی و روانی وارد می کنند. میزان استرس اگر بیش از حد و طولانی باشد، بر زندگی و عملکرد ما تاثیر منفی گذاشته و مشکلات جدی و زیادی ایجاد خواهد کرد. بسیار مهم است که بتوانید استرس های زندگی را بشناسید و از روش های مقابله با آنها استفاده کنید. **مهارت مدیریت هیجان:** هیجان کلمه ای است که در روانشناسی برای بیان تمام حالات احساسی و روانی مثبت و منفی و علائم جسمانی و روانی همراه آن به کار می رود. برخی هیجان ها عبارتند از: خشم، ترس، عشق و محبت، تنفر، امید، ناامیدی، نگرانی، احساس حقارت، غرور، غم و اندوه، شادی، تعجب، شرم، پشیمانی، دلسوزی. **مدیریت هیجانی:** مهارت مدیریت هیجان، فرد را قادر می سازد تا هیجان ها را در خود و دیگران تشخیص داده، به نحوه تاثیر آنها بر رفتار پی ببرد و بتواند واکنش مناسبی به هیجان های مختلف نشان دهد. افراد دارای هوش هیجانی قادرند از هیجانها به نفع خود و روابط شان استفاده کنند. **مهارت حل مسئله:** ما روزانه با مسائل زیادی - ساده و گه گاه پیچیده - مواجه می شویم. اگر در برخورد با این مسائل نیاموخته باشیم با استفاده از روش های صحیح و منطقی، آنها را پشت سر بگذاریم، مشکلات ساده هم تبدیل به استرس های جدی می شوند. توانایی حل مساله به ما کمک می کند مسائل زندگی را به شکل مطلوب حل و فصل کنیم. اگر مسائل مهم زندگی حل نشده باقی بمانند سلامت روانی و جسمانی تهدید می شود. افراد در طول زندگی بارها با مشکلاتی رو به رو می شوند که نیاز به اتخاذ تصمیم و عمل مناسب دارد. اما غالباً افراد نمی توانند آن را به خوبی انجام دهند و یا راه حل های نادرستی انتخاب می کنند که به شکست منتهی می شود. در مهارت حل مساله، به فرد آموخته می شود زمانی که در زندگی با مشکل مواجه می شود، چگونه آن را حل کند. در این روش مساله به درستی تعریف می شود. بعد راه حل هایی را که ممکن است به رفع مشکل بیانجامد، انتخاب می شود. سپس هر یک از گزینه ها ارزیابی می شوند و سرانجام بهترین راه حل انتخاب می شود. **مهارت تصمیم گیری:** انسان ها روزانه تصمیماتی می گیرند که برخی مهم و بعضی کم اهمیت هستند. تصمیم گیری در برخی موارد کار ساده ای نیست، زیرا آینده افراد را تحت تاثیر قرار می دهد. هم از این رو، مهارت تصمیم گیری اهمیت زیادی دارد. **مراحل اصلی در تصمیم گیری:** مهارت تصمیم گیری به ما کمک می کند تا با اطلاع کافی از اهداف واقع بینانه خود، از بین راه حل ها بهترین گزینه را انتخاب کرده و اجرا کنیم. افراد برای تصمیم گیری مطلوب باید به نکات زیر توجه کنند: **مهارت تفکر خلاق:** مهارت تفکر خلاق، مهارتی است که شخص از تلفیق مهارت های حل مسئله و تصمیم گیری، صاحب افکار و روابط تازه ای می شود و توانایی کشف و انتخاب راه حل های جدید را پیدا می کند. **مهارت تفکر نقادانه:** یک فرآیند شناختی فعال، هدفمند و سازمان یافته است که شخص با استفاده از آن به بررسی افکار و عقاید خود و دیگران و یا موقعیت های خاص می پردازد و با ارزیابی و تفسیر ماهرانه خود به درک و فهم روشن تر و بهتری دست می یابد. اصول تفکر نقادانه - پرسشگری: پرسیدن سؤالات مناسب از خود و دیگران برای درک دقیق تر مطالب - اطلاعات: جمع آوری اطلاعات از منابع مختلف درباره مطالب - ارزیابی: بررسی و ارزیابی اطلاعات جمع آوری شده درباره مطالب مطرح شده و ارزش گذاری آنها - نتیجه گیری: در نظر گرفتن و انتخاب بهترین مفهوم یا راه حل برای مطالب مختلف در زندگی است (سلیمانی، ۱۳۹۳).

فواید و کاربردهای آموزش مهارت های زندگی:

- نحوه کنار آمدن با انتظارات متفاوت خود، خانواده، همسر، فرزندان، دوستان، همکاران و جامعه - برقراری رابطه لذت بخش با امکانات، تکنولوژی و محیط زندگی - دفع فشارهای روانی از طرف محیط - سازگاری با مسائل اقتصادی و نیازهای معیشتی - تقویت مدیریت خانواده و تربیت فرزندان - به دیگران فرصت دهیم تا احساسات خود را به راحتی بیان کنند - اگر به احساسات خودمان آگاهی داشته باشیم، بهتر می توانیم احساسات دیگران را درک کنیم - تظاهر به همدلی نکنیم و به احساسات دیگران لطمه نزنیم - هنگام همدلی به حالات چهره و حرکات طرف مقابل توجه کنیم - با درک احساسات طرف مقابل به او بفهمانیم برایش احترام قائل هستیم - محیط را آماده برقراری ارتباط نماییم و سعی کنیم در ارتباط، شروع کننده خوبی باشیم. مثل یک سلام و احوال پرسى گرم و فشردن دست فرد مقابل - در برقراری ارتباط به شرایط، موقعیت و شخصیت افراد توجه و متناسب با آن رفتار کنیم. مثلاً نحوه برقراری ارتباط ما با کودکان، سالخوردهگان و بیماران در عروسی و مجلس عزا باید متفاوت باشد - برای تقویت ارتباط، از پراکنده گویی، پرگویی و مقدمه چینی زیاد بپرهیزیم - هنگام حضور در مکان های جدید ابتدا به دنبال آشنایان باشیم و افرادی را جستجو کنیم که با آنان راحت تر می توان ارتباط برقرار کرد - در ارتباط بین فردی می توان از روش های غیر کلامی به خوبی استفاده کرد. مانند: گوش دادن، نگاه کردن، استفاده از ژست ها، چهره ها، ایما، اشاره - اطلاعات و تجارب تان را در موقعیت های مختلف گسترش دهید - از دیگران سؤال هایی بپرسید که پاسخ های متعدد داشته باشد - اگر

سؤال های عجیب و غریب مطرح می شود، سعی کنید پاسخ های تازه را کشف کنید- رفتارها و الگوهای افراد خلاق را سرمشق زندگی قرار دهید - از فنون ویژه تفکر خلاق مانند بارش فکری استفاده کنید - تصورات ذهنی خود و دیگران را تقویت کنید. تصویر سازی کمک می کند تا اطلاعات در حافظه بلند مدت بیشتر ذخیره شوند - در نوشتن داستان یا کشیدن نقاشی و به جای استفاده از مدل از طرح های ذهنی استفاده کنید - نسبت به امور و پدیده های اطراف، حساسیت و دقت بیشتری داشته باشید - دیده ها، شنیده ها و مطالعه خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و به سادگی آن ها را نپذیرید و رد نکنید - درباره هر موضوعی با سؤالات مناسب و مرتبط اطلاعات بیشتری به دست آورید - مسائل، معمولا راه حل های متفاوتی دارند، تحمیل راه حل خود، یا تحمل راه حل دیگران به عنوان راه حل قطعی، منطقی به نظر نمی آید(ستاری، ۱۳۹۱).

جمع بندی و نتیجه گیری

در این نوشته سعی بر این شده است تا ابعاد کودکی و شرایط کلی آن بیان شود، سپس در مورد، معنا و مفاهیم کلی آموزش صحبت شده است همچنین مفاهیمی در مورد یاددهی / یادگیری برای کودک و نوجوان صحبت شده است و همچنین مهارت های زندگی که از سوی سازمان بهداشت جهانی بیان شده در این مقاله آورده شده است و در مورد تک تک آنان نیز به مختصر صحبت شده است(ستاری، ۱۳۹۱). **چگونگی آموزش دادن به کودکان:** این سوال یکی از سوالات نقد برانگیز است. جواب این است که "بله" همانطور که "نه" نیز هست. تشویق کردن خوب است اگر بصورت پاداش برای انجام تکالیف کودک باشد، مثلا وقتی که در امتحانات نمره ی خوبی را کسب میکند محدودیت نیز باید وجود داشته باشد. رشوه دادن به کودک ممکن است مضر نیز باشد مثلا وقتی که قول خرید چیزهایی را میدهید که بسیارگران قیمت هستند. بهتر است پاداش ها اینگونه باشند؛ اگر تکلیفش را درست و کامل انجام داد، با هم بیرون غذا بخورید، غذای مورد علاقه اش را بپزید، اجازه دهید بازی کند، فیلم ببیند و پاداش هایی از این دست؛ همه این ها خوب است تا زمانی که رویاهای شما درمورد تحصیلات فرزندتان بر او غلبه نکرده باشد، برای دریافت پاداش های بزرگ، او را مجبور به انجام کاری نکنید. کلا بهتر است هر آموزشی برای کودک همراه با بازی باشد، کودکان روح لطفی دارند که بازی کردن جزء لازم و جدا نشدنی از زندگی آنان است، پس بهترین روش از روشهای آموزش به کودک روش همراه با بازی است، همچنین روش های استفاده از قصه گوئی، روش استفاده از نمایش و استفاده از مثال نیز برای آموزش به کودک موثر است، کودک در حین بازی و انجام کارهای کودکانه و بازی های خودش آموزش های مفید زندگی بخصوص، آموزش مهارت های زندگی را بهتر می آموزد.

به امید خلق آیندهای بهتر برای کودکان سرزمینمان ایران

منابع:

- اسدی نژاد، سید محمد؛ رستمی چلکاسری، عبداللله و مرادی، فاطمه، (۱۳۹۴). حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر، فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال ۲۰، ۱۳۹۴، ش ۶۲.
- اسکندری، حسین و کیانی، ژاله (۱۳۹۶). «تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه‌ورزی و پرسشگری دانش‌آموزان». فصلنامه مطالعات برنامه درسی. شماره ۷.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۲). ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی. ترجمه محمدرضا بهرنگی. کمال تربیت. تهران.
- بیگی، جمال، (۱۳۹۸)، راهبردنگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری آموزشی، دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی.
- جهانی، جعفر (۱۳۹۱). «نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی ماتیو لیپمن». فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س). شماره ۴۲.
- ستاری، علی (۱۳۹۱). «بررسی مفهوم و نقش فلسفه در فلسفه برای کودکان با توجه به روش ماتیو لیپمن». فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی. شماره ۱.
- سلیمانی اهری (۱۳۹۳). «آموزش فلسفی کودکان در نظام تعلیم‌وتربیت اسلامی». فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی. شماره ۱.
- صفایی مقدم، مسعود (۱۳۹۷). «برنامه آموزش فلسفه برای کودکان». فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س). شماره ۲۶ و ۲۷.
- فخرایی، الهام (۱۳۹۹). «فلسفه برای کودکان؛ گامی به سوی پیوند فلسفه با جامعه». فصلنامه تفکر و کودک. شماره ۱.
- فیشر، رابرت (۱۳۸۹). آموزش تفکر. ترجمه غلامعلی سرمد. گاج. تهران.
- قاضی و فرهمندفر، (۱۴۰۰)؛ نقش ادبیات در آموزش و پاسخگویی به نیازهای کودکان، گروه پژوهشی کودک پژوه.

- لیپمن، متیو (۱۳۸۸). «فلسفه برای کودکان و نوجوانان، رویکردی جدید در فلسفه تعلیم و تربیت». ترجمه سعید ناجی. فصلنامه فرهنگ. شماره ۱.
- نجفی، (۱۳۹۸)؛ آموزش فلسفه به کودکان و نوجوانان؛ چالش های کنونی و طرح راهکار هایی برای آینده، استادیار دانشگاه علوم تربیتی قم.

منابع انگلیسی:

- Cairo Declaration on Human Rights in Islam (1999), Available at: <http://hrlibrary.umn.edu/instree/cairodeclaration.html>
- Convention against Discrimination in Education (1960), Available at: http://portal.unesco.org/en/ev.phpURL_ID=12949&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- Convention on the Rights of the Child (2018), Available at: <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx> Dakar Framework for Action, Education for All: Meeting Our Collective
- Declaration of the Rights of the Child (1959), Available at: <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Education/Training/Compilation/Pages/asp>
- International Conference on Human Rights (Tehran Declaration) (1968), Available at: <http://www.unfpa.org/events/international-conference-human-rights>
- Lipman, Matthew, (2016). Philosophy for Children and Critical Thinking Thinking. Children and Education U.S.A: Kendall/ Hunt Publishing Company.
- Lombardo, E. Integrating or Setting the Agenda? Gender Mainstreaming in the European Constitution-Making Process, Social Politics Journal, (2005), 12 (3).
- Promoting Equality of Educational Opportunity, Canada Report for the UNESCO Eighth Consultation of Member States on the Implementation of the Convention and Recommendation against Discrimination in Education, Council of Ministers of Education, Canada (2012). Verheyde (Eds.), a Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child, Martinus Nijhoff Publishers, Leiden, 2006.
- World Declaration of Education for All & Framework for Action to Meet Basic Learning Needs (1994), Jomtien, Thailand 5-9 March 1990, Published by UNESCO for the Secretariat of the International Consultative Forum on Education for All, 7, place de Fontenoy 75352 PARIS 07 SP, Third printing: Paris, September.
- World Declaration on the Survival, Protection and Development of Children (1990), Available at: <https://www.unicef.org/wsc/declare.htm>
- World Program of Action for Youth to the Year 2000 and beyond (1995), United Nations, general assembly, A/50/728.
- World Summit for Social Development, Copenhagen (1995), Available at: <http://enb.iisd.org/wssd95.html>
- Zermatten, J., The Best Interests of the Child Literal Analysis, Function and Implementation, Working Report (2010), Available at: <http://www.childsrights.org>. Murriss, Karin, (2000). "Can children do philosophy?" Journal of Philosophy of education, Society of Crest Britain, PP. 281-262.